

غنی کشمیری در نظر تذکره نویسیان

هر سوخته جانی که به کشمیر در آید
گر مرغ کباب است بابال و پر آید

(عرفی شیرازی)

دره کشمیر که از هزاره‌های بهشت بی نظیر است و به اسم ایران صغیر در سراسر جهان مشهور و معروف است. جهان گردان را از هر گوشه جهان به سوی خود جلب می کند در هر زمانی برای شاعران و ادیبان و نویسندگان و دیگران جای عشرت افزاء مانده است. در همین سرزمین دلگشاه وقتی مغولان گورکانی حکمرانی داشتند یک شاعر بزرگ و نامدار ملاطاهر غنی تولد یافت. درباره تاریخ تولدش میان تذکره نویسیان اختلافات وجود دارد. دکتر گرداری لال تیکو در تصنیف خود "پارسی سرایان کشمیر" می نویسد که ملاطاهر غنی در سال ۱۶۳۰ میلادی در شهر سریناگر متولد شد. هم‌مینطور منشی محمد دین فوق نیز در تصنیف خود "تاریخ اقوام کشمیر" می نویسد که غنی در سال ۱۰۴۰ هجری قمری چشم به جهان گشود. مولف "واقعات کشمیر" خواجه محمد اعظم دیده مری نیز همین تاریخ تولدش را تأیید می کند. مگر چون ما تاریخهای کشمیر را مطالعه می نمایم می بینیم که این حکایت قطعی درست نیست. زیرا همه تذکره نویسیان با هم متفقند که چون صائب اصفهانی باظفر خان (استاندار جامعه کشمیر) در دره کشمیر درآمد غنی کشمیری در شعر و شاعری مهارت کامل و شایسته می داشت. یک روز صائب اصفهانی غنی کشمیری با هم نشستند و به صحبت مشغول گردیدند. غنی کشمیری شعر زیر را سرود.

حسن سبزی بکھلے سبز مرا کرد اسیر

دام همه رنگ زمین بود گرفتار شدم

می گویند که صائب بر این شعر غنی رشک آنقدر برد و گفت ای کاش آنچه در همه عمر گفته ام به غنی بدهم و غنی این شعر را به من بدهد۔^۲

حالا ما باز به تاریخ تولد غنی کشمیری برمی گیریم، تذکره نویسان مزبور می نویسند که غنی در سال ۱۰۴۰ء هجری قمری متولد شد و بعد متفقند که صائب در سال ۱۰۴۲ء هجری قمری با ظفر خان احسن به کشمیر درآمد یعنی وقتی که صائب اصفهانی به کشمیر درآمد غنی کشمیری به دوسا لگی رسیده بود۔ از این رو گوئیم که غنی کشمیری و صائب اصفهانی درین دیار با هم به شعر و شاعری پرداختند چطور ممکن باشد که غنی کشمیری در سن دوسا لگی آنقدر در شعر و شاعری مهارت چیره دست می داشت که صائب اصفهانی چنین شاعر بزرگ و نژاد ایرانی از اشعار وی متأثر گردید۔ لذا تاریخ تولد غنی که تذکره نویسان مانند گرداری لال تیکو و منشی محمد دین فوق و مولف "واقعات کشمیر" نقل کرده اند قطعی درست ثابت نمی شود۔ ولی بعضی از تذکره نویسان قیاسند که غنی در سال ۱۰۱۹ء هجری قمری چشم به جهان گشود و این تاریخ یک کمی قریب الفهم می باشد۔

در باره اسم غنی کشمیری تقریباً همه تذکره نویسان متفقند۔ آنها اسم وی را محمد طاہر و تخلص غنی می نویسند، و چندین از تذکره نویسان غنی را بلقب "ملا" یا "مولانا" نیز یاد کرده اند۔ دکتر صوفی می نویسد که پدرش عقیدت اختصاصی بخواجه طاہر رفیق اشائی می داشت و بدین مناسبت وی اسم پسر خود را "طاہر" گذاشت۔^۳ مگر در باره خانواده غنی کشمیری میان تذکره نویسان یک کمی اختلافات وجود دارد۔ بعضی او را اشائی می نویسند یعنی با "الف" و برخی عیشائی یعنی با "عین" مولف "واقعات کشمیر" در تصنیف خود راجع به خانواده غنی کشمیری اینطور به نگارش می آرد۔

"مولانا طاہر غنی از قبیلہ اشائیمها است کہ لقب معروف است در کشمیر"^۴

و میر غلام علی آزاد بلگرامی در تذکره خود "ماثر الکرم" راجع به خانواده غنی چنین واژہا را بر اوراق تذکره خود تحریر می نماید:

”ملا محمد طاہر اشکوئی کشمیری، اشکوئی قبیلہ ایست از قبایل معتبر کشمیر“^۹

مگر سروالتر لانس قول دیگری دارد وی بامولفین ”واقعات کشمیر“ و ”ماثر الکرام“ متفق نظر نمی آید وی می نویسد
که خانواده غنی که بنام ایشائی معروف است اصلاً نژاد مغول است۔^{۱۰}

تحصیلات غنی کشمیری:

از سلاطین شهمیریان سلطان قطب الدین، نخستین مدرسه الاسلامی بنام ”دارالعلوم“ در شهر قطب الدین
پوره بنا کرد۔ این مدرسه تا عہد سزگان برجا بود۔ در ہمین مدرسه در دورہ مغول، استادان معروف مانند ملا جوہر
نات و ملا محسن فانی و ملا عبدالستار مفتی مشغول تدریس بودند۔ بعضی از نامداران کہ از این سرچشمہ علم بہرور
گردیدند عبارتند از شیخ رحمت اللہ تارہلی و ملا طاہر غنی و محمد زمان نافع و خواجہ قاسم ترمذی و ملا محمد کاوس۔^{۱۱}
تقریباً ہمہ مذکرہ نویسان حتی کہ شاگردش مسلم کہ مراتب دیوان غنی کشمیری بوده است نیز متفق است
کہ غنی کشمیری در ہمین مدرسه پیش استاد ملا محسن فانی زانوی تلمذ تہی نمود و بہ کمال اوج رسیدہ از استاد خود
جلوتر رفت۔ در بارہ علم و ہنر غنی کشمیری مولف ”مرآة الخیال“ می نویسد:

”شاگرد شیخ محسن فانی بود۔ بہ مدد طبع دراک در فنون و علوم بر استاد چیرہ دستی می نمود۔ ہر گاہ

شیخ را مسئلہ مشکل شد از وی استفسار نمودی“۔^{۱۲}

و مولف ”ماثر الکرام“ میر غلام علی آزاد بلگرامی، ”علم و عظمت غنی کشمیری اینطور برابر می نماید:

”از بدو شعور در حلقہ درس ملا محسن فانی کشمیری تلمذ نمود چون طبع بلند داشت در کمتر روزگار

چیشتی شایستہ بہم رسانید“۔^{۱۳}

و شاگردش مسلم در دیباچہ ”دیوان غنی کشمیری“ غنی را اینطور می ستاید:

”اگرچہ آن مجمع کمالات بیشتر بہ شاعری شہرت یافتہ و شعرش در این باب تیز دستی بکار
برده اما کمالات شاعری او نمونہ ایست از کمالات دیگر و سخنان رنگینش گونه ایست از جمال

معنی آن نیکوسیر، طبع بدیہہ یا بش ہرگز بفکر شعر سر فرود نیاورده و تدوین دیوان را تحصیل

حاصل شمرده، علم را نقاب عرفان ساخته بود و شعرش پرده داری هر دو می نمود، معارف حقیقی را در لباس علوم رسمی روپوش می ساخت و از سخنان گوناگون برقعہ ای دوخته بر بالای هر دو می انداخت چنانچه می فرماید

ز شعر من شده پوشیده فضل و دانش من

چو میوه که بماند بزیر برگ نهان^{۱۴}

مولف "کلمات الشعراء" محمد افضل سرخوش در تصنیف خود غنی کشمیری را اینطور معرفی می نماید:

"صاحب طبع عالی بوده پایه سخنوری را بدرجه کمال رسانده از خطه کشمیر بلکه تمام اقلیم هند، بچو او

سخنوری خوش خیال نازک بند معنی پاب برنخاسته"^{۱۵}

مولف "مراة الخیال" امیر شیر علی خان، غنی کشمیری را بدینگونه می ستاید "اشعارش مانند

گلکهای کشمیر همواره با طراوت معنی و طرز کلامش چون کلام خوبان پیوسته با حلوات واردات

اورا معنی خاص بسیار است و مضامین تازه بی قیاس"^{۱۶}

مولف "واقعات کشمیر" خواجہ محمد اعظم دیدہ مری غنی کشمیری را بدینگونه معرفی می نماید:

"صاحب طبع عالی بود۔ پایه سخنوری را بدرجه کمال رسانده هر چند شاگرد ملاحسن فانی بود اما

اتفاق ارباب سخن است که از خطه کشمیر بلکه در تمام اقلیم هند در آن عهد همچو او خوش خیال و

نازک بندی برینہ خاسته"^{۱۷}

شاعر مشرق علامہ اقبال لاهوری، غنی کشمیر را در اشعار خود بدینگونه می ستاید

شاعر رنگین نوا طاهر غنی

فقر او باطن غنی ظاہر غنی

علامہ اقبال لاهوری نہ تنها از افکار غنی کشمیری متاثر شده بود بلکه بقول ریاض احمد شیروانی، علامہ اقبال افعال و

اصول زندگی و استغنا و قناعت طبع غنی را نمونہ و سرمشق می دانست۔ و از اشعار او و افکار او الهام می گرفت و این

واقعہ را در قطہ ای کہ مندرجہ در ذیل است می سراید

فنی آن شکوی بلبل صغیر	نواخ کشمیر مینو نظیر
چو اندر سرا بود در بسته داشت	چو رفت از سراجتت را وا گذاشت
یکی گفتش ای شاعر دل ری	عجب دارد از کار تو هر کسی
پایخ چه خوش گفت مرد فقیر	فقیر و به اقلیم معنی امیر
زمن آنچه دیدند یاران رواست	درین خانه جزمین متاعی کجاست
فنی تان شبید به کاشانه اش	متاعی گرانی است در خانه اش

چون آن محفل آرزو در خانه نیست

تبی تر از این هیچ کاشانه نیست^{۱۵}

استاد سعید نفیسی در دیباچه "دیوان ملا محسن فانی" راجع به عظمت و کمال ملا محسن فانی و غنی کشمیری بدین گونه به نگارش می آرد-

"در میان شاعران متعددی که در کشمیر بزبان فارسی شعر گفته اند و تن که در یک عصری زیسته اند ولی استاد و شاگرد بوده اند بیشتر جلب توجهی کنند و در عدد شاعران نامی هندوستان باید بشمار آیند نخست ملا محسن فانی کشمیری، و سپس ملا طاهر فنی هست..."^{۱۶}

مسافرت غنی کشمیری:

مسافرت غنی کشمیری بیرون از دوره کشمیر نیز مورد اختلاف به چشم می خورد. تقریباً همه تذکره نویسان با هم متفق نیستند. بعضی از تذکره نویسان معاصر غنی حتی که شاگردش مسلم نیز درین مسئله لب بست نظری آید ولی برخی از تذکره نویسان مانند مولفین "سفینه خوشگلو" و "ماثر الکرام" می نویسند که غنی کشمیری همچو وقت پای میمنت خود را از کشمیر بیرون نگذاشت. و همه عمر خویش را درین دیار بسر برد. ولی چون ما با اشعار وی مراجع می کنیم می بینیم که غنی کشمیری چندین بار خارج از دوره کشمیر به مسافرت پرداخت. رباعی از وی که اینجا تحریری کنیم روشنی سازد که غنی کشمیری واقعاً پای خود را بیرون از کشمیر گذاشت ملاحظه بنمایید

کرده است هوای هند دلگیر مرا
 گشتم ز حرارت غربی بیتاب
 ای بخت رسان بهای کشمیر مرا
 از صبح وطن بده طباشیر مرا
 از اشعار وی نه تنها ظاهری شود که غنی کشمیری چندین بار به مسافرت پرداخت بلکه از اشعار وی چنین
 روشن می شود که غنی کشمیری بچوخت، چون از کشمیر بیرون بود از یاد میهن خود غافل نماند. وی وطن خود را بسی عزیز و
 محترم می داشت. دوران سفری چون از وطن خود دور و بعید بود. به یاد وطن خود افتاد و شوق دیدار و بازگشت به
 وطن خود را با چشم پر نم و با قلب تپیده در شعر زیر بدینگونه ابراز نمود.

بسکه شد زنجیر پایم رشته حب الوطن

در سفر دایم چو سوزن چشم دارم در قضا

در باره تاریخ وفات غنی کشمیر نیز اختلاف وجود دارد. مولف "واقعات کشمیر" خواجه محمد اعظم دیده مری می نویسد:

"در کمال جوانی بعد واقعه شیخ محسن فانی بهشت ماه قضا کرد در سال هزار و هفتاد و نو"^{۲۱}

و پیر غلام حسن کھویبها می نیز همین قول را تأیید می کند. ولی چون ما این جمله را با دقت می گیریم می بینیم که قسمت
 اول این جمله یعنی "در کمال جوانی بعد واقعه شیخ محسن فانی بهشت ماه قضا کرد" و قسمت دوم این جمله یعنی "در
 سال هزار و هفتاد و نو" هر دو جمله قطعی درست نیست. زیرا ملا محسن فانی در سال ۱۰۸۲ هجری این جهان فانی را
 درود گفت^{۲۲} و اگر غنی کشمیری بهشت ماه بعد از استاد خود درگذشت. این چطور درست باشد گر ملا محسن فانی در
 سال ۱۰۸۲ هجری انتقال نمود و تاریخ وفات غنی کشمیری سال ۱۰۷۹ هجری است یعنی قبل از استاد خود درگذشت
 لذا تاریخ وفات غنی کشمیری که مؤلفین "واقعات کشمیر" و "تاریخ حسن" و دیگر تذکره نویسان اینگونه به نگارش در
 آوردند قطعی درست ثابت نمی شود. و نیز گرمی گویم مانند مؤلفین مزبور که غنی کشمیر در کمال جوانی چشم به جهان
 فرو بست درست ثابت نمی شود زیرا چون ما به اشعار وی مراجع می کنیم می بینیم که غنی کشمیری به سن پیری رسیده
 بود. اشعار زیر که از اوست ملاحظه نمایید.

بسکه مانند کمان پیکرم از پیری کاست

تا نگردد کرم کس نتوانم له خاست

ز پیری چنان گشته ام ناتوان

که دندان بجنبد بجای زبان

دکتر ریاض احمد شیروانی در کتاب "غنی کشمیری احوال و آثار او" می نویسد:

"ملاطاهر غنی... در پیری به امراض گوناگون مبتلا شد که یکی از آنها درد اعضا است. این درد

ویرا بسیار آزار می داد و اوجی از نشست و برحاست کاملاً معذور بود. غنی خوب می دانست مرض او

لا علاج است و بنا به بیماری دایمی از زندگی سیر شده بود. وی خواست هر چه زودتر از این جهان

فانی رخت سفر بندد و مرگ را بر حیات ترجیح می داد" - ۲۳

تن بمردن ده غنی چون قامت گردید خم

بهر این خاتم رنگین نیست جز سنگ مزار

در نظر گرفتن اینگونه اشعار غنی کشمیری گرمی گویم که غنی کشمیری در کمال جوانی در گذشت و واقعاً غلط باشد.

صحیح ترین تاریخ وفاتش همان است که شاگردش مسلم در دیباچه "دیوان غنی کشمیری" به نگارش در آورده. اشعار

زیرا از آن دیباچه اینجانب نقل می شود. ملاحظه بنمایید

از فوت غنی گشت که و مهه غمگین

هر کس شده در ماتم او خانه نشین

تاریخ وفاتش از پیر سند بگو

پنهان شده گنج هند زیر زمین ۲۴

ابتدا در باره دفن غنی کشمیری اختلافات بود مگر بعداً به سعی و جهد سازمان تحقیق اشاعت استان جامو کشمیر

واضح شده است که غنی کشمیری در گورستان اشانی ها واقع در محله سید صاحب راجوری کدل سریناگر به خاک

سپرد شد. و بدین گونه سفر زندگانی شاعر مآب به اتمام رسید.

پانوسياها

- ۱- "پاری سرپان کشمیر" گرداری لال تلو، ص ۳۶۔
- ۲- "تاریخ اقوام کشمیر" منشی محمد دین فوق، لاہور ۱۹۴۳ء، میلادی۔
- ۳- "واقعات کشمیر" خواجہ محمد اعظم دیدہ مری، ص ۱۷۱۔
- ۴- "کلمات الشعراء" محمد افضل سرخوش، ص ۸۳-۸۵۔
- ۵- "غنی کشمیری" احوال و آثار و سبک اشعار او "دکتر ریاض احمد شیروانی حوالہ "مخزن الخرائب" ص ۱۱۳۔
- ۶- همان۔ ص ۱۱۴۔

7. "Kashir" by G.M.G Sufi, vil.II, p. 462.

- ۸- "واقعات کشمیر" خواجہ محمد اعظم دیدہ مری، ص ۱۱۱۔
- ۹- "ماثر الکرام" آزاد بلگرامی، ص ۱۰۳۔

10. "The Valley of Kashmir" Sir W.R.Lawrence, p.309

11. "Kashir" G.M.D. Sufi, vol.ii, p.346

- ۱۲- "مراة الخيال" امیر شیر علی خان، ص ۱۶۱-۱۶۲۔
- ۱۳- "ماثر الکرام" آزاد بلگرامی، ص ۱۰۳۔
- ۱۴- "دیوان غنی" شاگرد غنی، مسلم، ص ۵۵۔
- ۱۵- "کلمات الشعراء" محمد افضل سرخوش، ص ۸۳-۸۵۔
- ۱۶- "مراة الخيال" امیر شیر علی، ص ۱۶۱۔
- ۱۷- "واقعات کشمیر" خواجہ محمد اعظم دیدہ مری، ص ۱۷۱۔
- ۱۸- "غنی کشمیری" احوال و آثار و سبک اشعار او "دکتر ریاض احمد شیروانی، ص ۲۷۹، بحوالہ "کلیات اقبال

لاہوری

- ۱۹- "دیوان ملا محسن فانی" سعید نفیسی دیباچہ۔

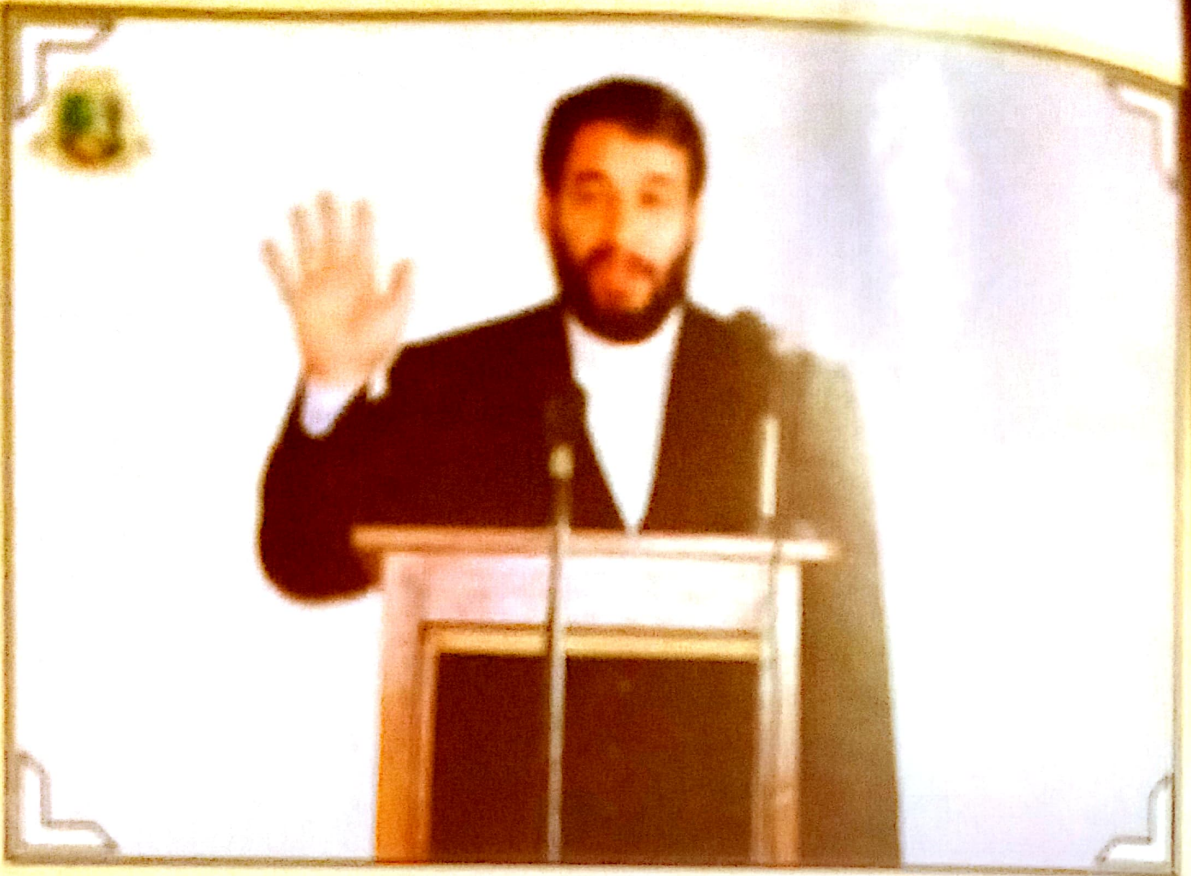
۲۰۔ ”واقعات کشمیر“ خواجہ محمد اعظم دیدہ مری۔ ص ۱۷۲۔

۲۱۔ ”تاریخ حسن“ پیر غلام حسن کھوسہا می، جلد چہارم، ص ۲۱۔

ashir" G.M.D. Sufi, vol. II, p.365.

۲۳۔ ”غنی کشمیری احوال و آثار و سبک اشعار او“ دکتر ریاض احمد شیروانی، ص ۱۵۰۔

۲۴۔ ”دیوان غنی کشمیری“ از مسلم، دیباچہ ص ۵۶۔



مہمان خصوصی اور انعام یافتہ نوجوان کی زندگی پر مشاہدات کا انعقاد کرنے کا سلسلہ



مجموعی تصویر سے مشاہدات کے دوران مہمان خصوصی کی تقریر کا سلسلہ



وائس چانسلر اور صدر شعبہ محو گفتگو



شعبہ کی طالبات پروگرام پیش کرتے ہوئے